

سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران و حق آموزش زنان

سوده کریمی^۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۴/۱۶

مریم سلگی^۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۱۸

چکیده

این پژوهش باهدف بررسی اسناد داخلی و بین‌المللی حق آموزش زنان و با مطالعه موردی سند ملی ۲۰۳۰ و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و با روش تحلیل محتوای کیفی مقایسه‌ای (تحلیل تم) صورت گرفته است. یکی از مهمترین اهداف آموزش در اسلام، آموزش همگانی است؛ آن‌چنانکه در عرصه بین‌المللی نیز حق آموزش زنان از جمله حقوق بنیادین بشری است که در اسناد متعدد بین‌المللی به این مهم اذعان شده است. میزان بهره‌مندی زنان از امکانات آموزشی در هر کشور یکی از ویژگیهای توسعه یافتگی آن کشور در نظر گرفته می‌شود؛ به این معنا که زنان در جامعه همانند مردان از حق آموزش رایگان برخوردارند. با توجه به تأثیرات عمیق برنامه‌های آموزشی در جوامع مختلف و با لحاظ حاکمیتی بودن مسئله آموزش و تربیت نسل، بر دولتها به عنوان متکفلان اصلی مصالح عمومی کشوری لازم است تا با تلاش در جهت ایجاد مواسات در تعلیم میان زنان و مردان و با تدوین قوانین جامع و مانع موجبات حصول حق آموزش زنان را فراهم سازند. جمهوری اسلامی ایران در مسیر تدوین قوانین مورد نیاز احقاق حق آموزش زنان اهتمام کرده و با تدوین قوانین متعدد داخلی ویژگی سوادآموزی زنان را در مقطع ابتدایی به ۹۹٪ رسانده است که این امر نشان‌دهنده اهمیت و فهم صحیح جمهوری اسلامی ایران نسبت به نقش زنان و خانواده در جامعه است. سؤال اساسی این پژوهش، میزان تمایزات حق آموزش زنان در سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران و اسناد داخلی است. با توجه به یافته‌های پژوهش هرچند این سند نکات مثبتی را در بحث حق آموزش افراد دربردارد، مشخص نیست تضادهای این سند با برخی از ارزشها و اسناد بالادستی چگونه برطرف خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: زنان، حق آموزش، اسلام، سند ملی آموزش ۲۰۳۰، اسناد داخلی

۱. استادیار دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، تهران، ایران

مقدمه

تأثیرگذاری مستقیم آموزش زنان در جامعه، تدوین قوانین جامع و گسترده‌ای را در کشور می‌طلبد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این مهم را یادآور شده است. براساس بند ۲ اصل سوم، دولت موظف است همه امکانات خود را در مورد «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و آسان‌سازی و تعمیم آموزش عالی» به کار برد. هم‌چنین به موجب اصل سی‌ام «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد». هم‌چنین، اصل نوزدهم قانون اساسی بیان می‌کند «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود» و در اصل بیستم قانون اساسی آمده است، «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند».

این اصول فراگیر، تمام محدودیتها و تنگناهای نامعقول را از پیش پای ملت در برخورداری از حقوق و آزادیها، برداشته و راه هرگونه توجه تبعیض‌آمیزی را بسته است. پس، هیچ محدودیت قانونی برای آموزش و پرورش از نظر سن، جنس و مرام و مسلک قانونی یا عقاید دینی و مذهبی وجود ندارد. علاوه بر قانون اساسی، برنامه و اسناد متعدد دیگری توسط نخبگان داخلی تدوین شده که در آنها به فرهنگ و اعتقادات ایرانی - اسلامی توجه خاص مبذول شده است. برنامه جامع علمی کشور، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند راهبردی علوم و فناوریهای شناختی، سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران و... از جمله این اسناد است که به چگونگی و چستی آموزش در تفاوت جنسیتی تصریح کرده است. با توجه به آنچه بیان شد، دولت موظف است با بهره‌گیری از این اسناد و با توجه به مسائل روز اجتماعی و مشکلات خاص زنان به آموزش و پرورش آنان اقدام کند. این پژوهش از جمله نخستین مقاله‌های علمی در دسترس و مرتبط با سند ملی ۲۰۳۰، در پی این است که پس از بررسی حق آموزش در اسلام و قوانین ایران و قوانین بین‌المللی بر سند آموزشی ۲۰۳۰ تمرکز کند.

از نظر اسلام تحصیل دانش، برای هر یک از زن و مرد لازم و واجب است. عالیتین و کاملترین جلوه این مواسات در آموزش در اسلام تجلی یافته است. تمام آیات و روایاتی که درباره تحصیل علم و دانش وارد شده همانند «یاایهاالناس» و «یاایهاالذین آمنوا» عمومی است و شامل زنها

نیز می‌شود. این نگاه، هرگز جنس یا گروهی را استثنا نمی‌کند، بلکه همه افراد انسانی، اعم از سیاه و سفید، زن و مرد، عرب و عجم را نزد پروردگار برابر می‌داند و هیچ اختلافی جز در پرتو پروای الهی و نزدیکی به آسمان معنا نمی‌شود؛ زیرا در این موضوع بحث در ارتباط با برابری به ذات و طبیعت واحد بشری مربوط است، نه مسائل عارض بر جسم و جنس. اسلام هر انسانی را در حدود توانمندیها و استعدادها و امکانات، برخوردار از حق آموزش و فرهنگ می‌داند. تأکید بر استیفای این حق تا حدی است که در مواردی که بحث یادگیری واجبات دینی و یا حتی پاره‌ای نیازمندیهای دنیوی به میان می‌آید، این «حق» به «تکلیف» تبدیل می‌شود. از این رو پیامبر(ص) فرموده‌اند، «طلب العلم فریضه علی کل مسلم» (کلینی، ۱۴۱۱: ج ۳۰/۱). در این حدیث بیان شده فراگیری علم بر هر مسلمانی واجب است. «مسلم»، صفت هر «فرد انسانی»، و اعم زن یا مرد است. «در بعضی نقل‌هایی که در کتابهای شیعه است، کلمه مسلمه هم در این حدیث قید شده است و از این تعبیرات اختصاص فهمیده نمی‌شود. مسلم یعنی مسلمان، اعم از اینکه زن یا مرد باشد. در این گونه موارد جنسیت دخالت ندارد؛ اسلامیت دخالت دارد؛ حتی اگر به جای کلمه «مسلم» کلمه «رجل»، هم ذکر شده بود، باز به اصطلاح فقها الغای خصوصیت می‌شد» (مطهری، ۱۳۸۱: ۱۷۳). پروردگار متعال نیز با تأکید بر مقام علم و عالم می‌فرماید: «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» (زمر/ ۹): آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند، برابرند؟ و نیز می‌فرماید از میان بندگان خداوند، فقط دانشوران از او خوف و خشیت دارند» (فاطر/ ۲۸) و در این میان تفاوتی میان زن و مرد نیست.

اسلام برای حق آموزش و فرهنگ، حتی میان زن آزاد و کنیز نیز فرقی قائل نیست تا جایی که پیامبر اکرم(ص) در مورد آموزش و تعلیم کنیزان، تأکید ویژه‌ای کرده‌اند؛ ایشان فرمودند هر مرد [مسلمانی] که کنیزی در اختیار داشته باشد و او را به‌خوبی آموزش دهد و ادب نماید؛ سپس آزادش کند و با او ازدواج کند از دو پاداش برخوردار خواهد بود» (عسقلانی، ۱۴۰۲هـ ج ۲۹/۹). در سیره نبوی هیچ‌گاه زنان برای استفاده علمی از محضر عالمان منع نشده‌اند؛ بلکه وقتی رسول خدا(ص) با درخواست جمعی از زنان برای اختصاص ساعتی به آنان روبه‌رو شدند، روزی از روزهای هفته را به آنان اختصاص می‌دادند و زنان مستقیماً از محضر علوم الهی آن حضرت بهره‌مند می‌شدند (ابوشقه، ۱۴۱۰هـ ج ۱/۱۷۴).

در اسناد بین‌المللی هم بر حق زنان بر آموزش تأکید شده و امروزه از جمله ویژگیهای توسعه انسانی، میزان حضور زنان و چگونگی ایفای نقش آنان در عرصه‌های گوناگون است. از سوی

دیگر در عصر ارتباطات جهانی، علایق و حقوق افراد حتی در محدوده سرزمین خودشان با خطای بین‌المللی پیوند دارد. این امر ماهیتاً حقوق زنان را به روابط بین‌المللی کشانده است. تدوین اسناد متعدد همچون کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه حذف خشونت علیه زنان در ارتباط با حقوق زنان در عرصه بین‌المللی نشان از اهمیت این موضوع در روابط بین‌المللی دارد. یکی از این حقوق، حق آموزش است که در عرصه بین‌المللی سازمانهای بین‌المللی مختلف مانند سازمان ملل، یونسکو، سازمان علمی فرهنگی جهان اسلام - ایسکو و مؤسسه بین‌المللی تحقیق و آموزش برای پیشرفت زنان مستقیم و یا غیرمستقیم به لزوم برخورداری انسانها از حق تحصیل و آموزش اشاره کرده‌اند و آن را همواره مورد تأکید قرار می‌دهند (آقایی، ۱۳۷۶: ۶۶).

از نظر تضمین رعایت حق آموزش در جهان معاصر، سازمانهای بین‌المللی از جمله کارگزاریهای تخصصی سازمان ملل مانند یونسکو، و سازمان بین‌المللی کار سعی دارند حق آموزش و تحصیل را برای اعضای متعهد خود به صورت الزام‌آور درآورند. کنوانسیون منع تبعیض در آموزش در مواد ۱ تا ۵ و کنوانسیون منع خشونت علیه کار اجباری کودکان (۱۹۹۹) و نیز معاهدات مربوط به امور کودکان و زنان هر یک به فراخور موضوعات و اهدافشان در صدد اجرایی کردن حق تحصیل و منع تبعیض در این زمینه هستند و ساختار اجرایی این حق همان سازمانهای بین‌المللی مرتبط با حق آموزش و تحصیل است. هم یونسکو و هم یونیسف (کومانز^۱)، ۱۹۹۲: ۱۹۲) و دیگر سازمانهای بین‌المللی مانند سازمان بین‌المللی توسعه (IDA) از دولتها خواستار ارائه گزارشها و برنامه‌های آموزشی خود هستند؛ اما به هر حال حق آموزش مانند دیگر حقوق الزام‌آور، میان دولتها به‌طور کامل مورد اجرا قرار نگرفته است و همچنان شاهد نقض حق آموزش در برخی نقاط دنیا یا در طول جنگهای منطقه‌ای و داخلی و شورشها و ناآرامیها هستیم که این حق بشدت نقض شده و آینده نسل بعدی چنین سرزمین‌هایی به خطر افتاده است (کومانز، ۱۹۹۲: ۱۹۵)؛ علاوه بر این نهادهای بین‌المللی، نهاد زنان ملل متحد از جمله نهادهای بین‌المللی است که با هدف صیانت از حقوق زنان تأسیس شد. این نهاد، آموزش زنان و دختران را به‌عنوان یکی از مهمترین تحولات لازم برای ارتقای حقوق بشر زنان در سراسر جهان می‌داند. آموزش زنان علاوه بر آثار فرهنگی که برای زنان به‌دنبال دارد به ارتقای وضعیت اقتصادی زنان نیز منجر می‌شود.

هم‌چنین ارتقای سطح آموزش زنان می‌تواند در عمل به توان‌افزایی سیاسی و اجتماعی زنان منجر شود. از دیدگاه نهاد زنان ملل متحد آموزش زنان و دختران دارای آثار پیشگیرانه در برابر ارتکاب خشونت علیه زنان و دختران است. آموزش زنان از دیدگاه نهاد زنان ملل متحد، برقراری ارتباط میان موضوع آموزش مادران و حمایت از حقوق کودکان است. طبق آمارهای نهاد زنان ملل متحد، زنانی که از سواد برخوردارند، ۵۰ درصد بیش از زنان بی‌سواد می‌توانند در حفظ جان کودکان زیر پنج سال خود اقدام کنند. در واقع طبق آمارها در فواصل سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۹، ارتقای سطح آموزش زنان می‌تواند تا ۵۰ درصد از موارد مرگ‌ومیر نوزادان و کودکان زیر پنج سال را کاهش دهد (فصیحی‌مقدم، ۱۳۹۳: ۶). این رابطه تنگاتنگ موجب تدوین اسناد متعددی شده است که بر حق آموزش زنان تأکید می‌کند که برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸)، علاوه بر تأکید بر آزادیهای مدنی و سیاسی به حقوق اقتصادی و اجتماعی نیز اشاره شده است. درباره حق آموزش بند ۱ ماده ۲۶ اذعان می‌کند «هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لاقلاً تا حدودی که به تعلیمات ابتدایی و اساسی مربوط است، باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه، بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند»^۱ در این ماده حق بهره‌مندی افراد از آموزش و پرورش به گونه‌ای که موجب رشد همه‌جانبه شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی باشد به‌عنوان آرمان مورد توجه قرار گرفته است.

در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ کنفرانس عمومی سازمان ملل متحد با یادآوری تأکید اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اصل عدم تبعیض در ماده ۵ خود ضمن اعلام محق بودن افراد در برخورداری از آموزش و پرورش اذعان می‌کند «آموزش باید تفاهم، تسامح و دوستی بین همه ملت‌ها، گروه‌های نژادی یا دینی را ترغیب و ترویج و فعالیتهای سازمان ملل را برای حفظ صلح بیشتر کند». در مواد یک و چهار کنوانسیون به رایگان و اجباری بودن آموزش همگانی نیز تصریح شده است.^۲

مهمترین سند بین‌المللی در مورد حقوق زنان، «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» است که در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به تصویب رسید. در ماده ۱۰ این کنوانسیون بیان شده است: «دولتهای عضو به‌منظور تضمین حقوق مساوی زنان با مردان در

1. <http://www.un.org/en/universal-declaration-human-rights>

۲. کنوانسیون منع تبعیض علیه تحصیلات-<http://portal.unesco.org/en/ev.php>

زمینه آموزش و پرورش، هرگونه اقدامی برای رفع تبعیض از زنان به عمل خواهند آورد بویژه براساس مساوات بین زنان و مردان موارد زیر را تضمین خواهند کرد.

به علت عدم الزام آور بودن اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۹۶۶ مورد تصویب قرار گرفت و به این ترتیب اجرای مفاد این اعلامیه برای تمام اعضای سازمان ملل الزام آور شد و اعضا متعهد به اجرای آن هستند. ماده ۱۳ این میثاق، مضامینی همچون اجباری و رایگان بودن آموزش ابتدایی، تعمیم آموزش و پرورش متوسطه، حرکت به سمت مجانی کردن آموزش متوسطه و... را بیان، و در بند ج اعلام کرده است: «آموزش و پرورش عالی باید به تمام وسایل مقتضی بویژه به وسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی به تساوی کامل براساس استعداد هرکس در دسترس عموم قرار گیرد».

کنوانسیون حقوق کودک در ۱۹۸۹ در ۵۴ ماده مورد تصویب قرار گرفته است و همانند اعلامیه جهانی کودک مصوب ۱۹۵۹ بر حمایت همه‌جانبه از کودکان فارغ از جنسیت آنها بویژه در زمینه آموزش تأکید، و ماده ۲۸ این کنوانسیون بر این حق اذعان می‌کند.

اعلامیه حقوق بشر اسلامی که توسط سازمان کنفرانس اسلامی در ۵ اوت ۱۹۹۰ در شهر قاهره تصویب شد در ماده ۹ خود اذعان می‌کند «طلب علم، فرضیه است و آموزش واجب است بر جامعه و دولت» (مهرپور، ۱۳۸۷: ۷۱).

در واقع در اعلامیه و برنامه عمل پکن (۱۹۹۵)، آموزش و پرورش زنان به‌عنوان یکی از ملاحظات و موضوعات اساسی درباره تضمین برخورداری زنان از حقوق بشر قلمداد شده و آموزش زنان به‌عنوان ابزاری ضروری برای تحقق اهداف بزرگی نظیر ارتقای حقوق بشر زنان، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و نیز تحقق توسعه در ابعاد مختلف دانسته شده است؛ اما در کشورهای در حال توسعه، که وضعیت حقوق بشر زنان و دختران و بویژه حق آموزش آنان رو به ارتقا است، بالغ بر ۲۶ درصد از دختران از تحصیل محرومند بویژه در کشورهای واقع در مناطق آفریقا، وضعیت آموزش زنان و دختران تا حد مطلوب فاصله زیادی دارد^۱.

در اعلامیه اهداف توسعه هزاره، اهداف توسعه هزاره در واقع مجموعه‌ای از اهداف مشترک است که در سازمان ملل درباره آنها توافق شده است. بیانیه هزاره در سپتامبر سال ۲۰۰۰، توسط ۱۸۹ کشور پذیرفته شد و ۱۴۷ نفر از سران سیاسی آن را امضا کردند. در این اعلامیه بیان شده بود

1. <http://www.unic-ir.org/hr/declaration-beijing.htm>

که پس از پانزده سال از تاریخ تصویب اعلامیه، اهداف آن باید اجرایی شود. اهداف توسعه هزاره به صورت مخفف (MDGs)^۱، هشت آرمان است. این آرمانها به ۲۱ هدف تجزیه می‌شود که با ۶۰ شاخص قابل سنجش است. اهداف توسعه هزاره عبارت است از ریشه‌کنی فقر، تأمین آموزش ابتدایی در سطح جهانی، برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، کاهش مرگ‌ومیر اطفال، بهبود وضعیت مادران، مبارزه با ایدز، مالاریا و دیگر بیماری‌ها، تضمین پایداری محیط زیست و مشارکت جهانی برای توسعه.

آموزش باکیفیت به عنوان حق بنیادین، لازمه پایان دادن به فقر و شکوفایی رفاه و آسایش برای همه است. برای تحقق این امر، گروه بانک جهانی به کشورها کمک می‌کند تا تمام منابع خود را بسیج کنند و برای توسعه یادگیری برای همه، سرمایه‌گذاری را با نتایج قابل سنجش پیوند زنند. لازم است یادآوری شود که مجمع جهانی آموزش به‌عنوان بزرگترین رخدادهای سال ۲۰۱۵ در بحث آموزش با هدف ارزیابی دستاوردها و کاستیهای اجرای چارچوب عمل داکار و اهداف آموزشی توسعه هزاره طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵، توافق در مورد جایگاه آموزش و اهداف کلی و جزئی آن در دستور کار توسعه پس از ۲۰۱۵، و اجماع در مورد چارچوب عمل جامع برای هدایت و حمایت از اجرای دستور کار جهانی آینده آموزش برای سالهای پس از ۲۰۱۵ از تاریخ ۱۹ تا ۲۲ می (۲۹ اردیبهشت تا ۱ خرداد ۹۴) در اینچئون کره جنوبی برگزار شد. در این مجمع ۱۵۰۰ نفر شامل ۱۳۰ وزیر، مقامات عالی‌رتبه دولتی، برندگان جوایز نوبل، رؤسای سازمانهای بین‌المللی و غیردولتی، دانشگاهیان، نمایندگان بخش خصوصی، پژوهشگران، و ذی‌نفعان اصلی دیگر و هم‌چنین رؤسای نهادهای تخصصی ملل متحد حضور داشتند و بیانیه و چارچوب عمل آموزش تا سال ۲۰۳۰ را تدوین و تصویب کردند.^۲

بنا به اذعان یونسف در ۲۰۱۱، بالغ بر ۷۷۴ میلیون نفر بزرگسال بیسواد در سراسر جهان بوده‌اند که این تعداد تا سال ۲۰۱۵ به ۷۴۳ میلیون نفر خواهد رسید. در حال حاضر، هنوز بالغ بر دوسوم از

۱. اهداف توسعه پایدار باید بر مبنای تمام اصول بیانیه ریو، دستور کار ۲۱ و برنامه اجرایی ژوهانسبورگ باشد و شرایط، ظرفیتها و اولویتهای متفاوت ملی کشورها را مدنظر قرار دهد. این اهداف باید به‌صورت منسجم با دستور کار توسعه سازمان ملل برای پس از سال ۲۰۱۵ عمل کند. این اهداف پس از بحث و بررسیهای متعدد در نهایت با عنوان دگرگونی و تحول در جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار پیشنهاد شد. به این ترتیب براساس توافقات اهداف توسعه پایدار (Sustainable Development Goals (SDGs)) جایگزین اهداف توسعه هزاره (MDGs Millennium Development Goals) (Goals) پس از سال ۲۰۱۵ خواهد شد.

2. <http://fa.unesco.org>

افراد بیسواد در جهان را زنان تشکیل می‌دهند. زنان در کشورهای در حال توسعه تا ۲۰۷۲ به‌طور کامل به سوادآموزی دست پیدا نخواهند کرد و تا سال ۲۰۷۲ همچنان مشکل بیسوادی زنان ادامه خواهد داشت^۱. یونسف در آخرین گزارش خود در مورد وضعیت آموزش و پرورش دختران در سراسر جهان، از معضل به حاشیه‌رانده شدن دختران در سطوح مختلف تحصیلی سخن به میان آورده، برخی از مهمترین شواهدی که یونسف در این زمینه ارائه کرده، عبارت است از:

- در سال ۲۰۱۱، شمار کودکان بازمانده از تحصیل در سراسر جهان، بالغ بر ۵۷ میلیون است که عمدتاً هم در کشورهای درگیر مخاصمات مسلحانه است.

- در منطقه آفریقا، فقط ۲۳ درصد از دختران روستایی از امکان تکمیل تحصیلات ابتدایی برخوردارند.

- با ادامه روند کنونی در سراسر جهان تا سال ۲۰۲۱، تمامی پسران می‌توانند در جهان از تحصیلات ابتدایی برخوردار باشند؛ اما دختران تا پایان سال ۲۰۸۶ خواهند توانست به‌طور کامل در سراسر جهان از حق آموزش برخوردار باشند (فصیحی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۲)؛ با وجود این گزارش یونسکو سازمان بین‌المللی در ارتباط با میزان سوادآموزی زنان در ایران قابل تأمل است. طبق آمارهای گزارش سال ۲۰۱۴ این سازمان، وضعیت آموزش زنان و دختران در کشور جمهوری اسلامی ایران عبارت است از میزان سوادآموزی و تحصیلات زنان در مقطع ابتدایی بالغ بر ۹۶ درصد (در سال ۲۰۰۵) و در مورد مردان بالغ بر ۹۸ درصد (در سال ۲۰۰۵) و میزان تحصیلات و مشارکت زنان در مقطع دبیرستان ۸۰ درصد (در سال ۲۰۱۱) و در مردان، ۸۲ درصد (در سال ۲۰۱۱) بوده است.

میزان کودکان بازمانده از تحصیلات در مقطع ابتدایی در مورد دختران، ۴ درصد در سال ۲۰۰۵ و در مورد پسران، ۱ درصد در سال ۲۰۰۷ بوده است. میزان باسوادی زنان (۱۵ تا ۲۴ سال) بالغ بر ۹۸/۵ درصد و در مورد مردان ۹۸/۸ درصد در سال ۲۰۰۸ بوده است.^۲ آنچه در گزارش اخیر یونسکو در مورد حق آموزش زنان و دختران مورد اهمیت است، بررسی دقیق قوانین و مقررات دولتها در این ارتباط است؛ به‌طور نمونه، یونسکو درباره وضعیت قوانین و مقررات دولت

1. UNESCO Education for All Global Monitoring Report, 2014/3
 2. UNESCO, Monitoring of the Implementation of the Convention and Recommendation against Discrimination in Education (8th Consultation), Girls' and Women's Right to Education, Overview of the Measures Supporting the Right to Education for Girls and Women reported on by Member States, 2014, pp. 90-91.

ایران در مورد حق آموزش زنان و دختران، علاوه بر استناد به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به «منشور حقوق و تکالیف زنان»^۱ نیز به عنوان مصوبه جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی استناد کرده است که بر ضرورت ارتقای سطح آموزش زنان و مقابله با هرگونه تبعیض در زمینه آموزش تأکید می‌کند.^۲

این آمار از یک مرجع رسمی نشان از مطلوب بودن احقاق حق آموزش زنان دارد که نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران به آن دست یافته است. این مهم با توجه به تدوین قوانین متعدد آموزشی در ایران دست‌یافتنی شده است. علاوه بر قانون اساسی که به حق آموزش متذکر شده است، اسناد متعدد دیگری در ایران به بحث آموزش پرداخته‌اند؛ از جمله نقشه جامع علمی کشور، نقشه مهندسی فرهنگی کشور، منشور فرهنگی انقلاب اسلامی، بیانیه ارزشی سند تحول، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سند توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش، سند برنامه درسی ملی، رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، چکیده مطالعات محیط‌های مؤثر بر آموزش و پرورش (سطح ملی)، طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش - فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران (گزارش تلفیق نتایج مطالعات راهبردی) که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

در هدف کلان ۶ نقشه جامع علمی کشور ارتقای نقش مناسب زن و مرد در خانواده و جامعه اسلامی با اصلاح سازوکار جذب هدایت تحصیلی دانشجویان، تقویت نظام استعدادیابی، مشاوره و هدایت تحصیلی در آموزش عمومی و بازننگری و بازتولید محتوا و روشهای آموزشی و پژوهشی به منظور تحقق نقش شایسته زن و مرد در جامعه اسلامی مورد تأکید قرار گرفته شده است.^۳

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ارزشمندی جامعه اسلامی شامل افراد انسانی زن و مرد این‌گونه تعریف می‌شود، اجتماعی است که بر روی نمودن به خدا در حالت تسلیم و رضا استوار می‌شود نه بر روابط نژادی، خویشاوندی یا قبیله‌ای و یا روابط انتفاعی و ستمگرانه یا روابط قراردادی - که رویکرد استخدامی داشته و بر منفعت‌های یکطرفه یا دو طرف قرارداد متکی باشند، در جامعه اسلامی، که مظهر تحقق بعد اجتماعی حیات طیبه به شمار می‌آید، پیوندها، خشونت‌آمیز (ناشی از ترس و تهدید و ارباب) یا انتفاعی (ناشی از سودگرایی و استثمار دیگران)

1. Women's Rights and Responsibilities Charter

2. Iran Report submitted for the Eighth Consultation on the implementation of the Convention and Recommendation against Discrimination in Education (2006-2011), 2012, p.2

3. <http://nj.farhangolm.ir> & www.nlai.ir

نیست بلکه ارتباط میان اعضای جامعه به ارزشهای انسانی و اخلاقی، معرفت، محبت و اطاعت از خدا (پیروی آگاهانه و اختیاری از نظام معیار دینی) معطوف است. در چنین جامعه‌ای روابط ظالمانه و تعصبات نژادپرستانه طرد می‌شود و بر توحید به‌عنوان اساس تکوین و گسترش روابط اجتماعی تأکید می‌شود و در بیانیه ارزشهای این نقشه از عدالت تربیتی در ابعاد کمی، همگانی و الزامی با رعایت تفاوت‌های فردی، جنسیتی، فرهنگی و جغرافیایی سخن به میان می‌آید. در بخش پنج این نقشه یکی از اهداف چنین بیان شده است: تأمین و گسترش عدالت در برخورداری از فرصتهای تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب با توجه به تفاوتها و ویژگیهای دختران و پسران و مناطق مختلف کشور. در بخش ۱۴ - ۲ در ارتباط با فضا سازی تربیتی متناسب سازی فضاهای فیزیکی، آموزشی و تربیتی با نیازهای ویژه و تفاوت‌های جنسیتی دانش آموزان با تأکید بر فراهم آوردن الزامات نهادینه سازی فرهنگ ایمانی و عفاف و حجاب و رعایت احکام محرمیت در محیط بیان شده است. ایجاد تنوع در فرصتهای تربیتی در مراکز آموزشی و تربیتی برای پاسخگویی به نیازهای دانش آموزان؛ رعایت اقتضائات هویت جنسیتی (پسران و دختران) و ویژگیهای دوران بلوغ دانش آموزان در برنامه‌های درسی و روشها و برنامه‌های تربیتی ضمن توجه به هویت مشترک آنان. در طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش چکیده مطالعات محیط‌های مؤثر بر آموزش و پرورش (سطح ملی) فرصتها، تهدیدها و پیشنهادهایی در ارتباط با اشتغال و تحصیل زنان و دختران بیان شده است.

به‌عنوان آخرین سند داخلی آموزشی باید به سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. رهبران کشورهای عضو سازمان ملل متحد، در سپتامبر ۲۰۱۵ در اجلاس عالی‌رتبه این سازمان متعهد شدند تا اهداف دستور کار جهانی توسعه پایدار ۲۰۳۰ را، که نتیجه فرایند گسترده مشورتی در سطح جهانی بود در سیاستگذاری کلان ملی خود از اول ژانویه ۲۰۱۶ مدنظر داشته باشند. این دستور کار، دارای ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است. آموزش، که هدف چهارم این دستور کار است، در تحقق تمام اهداف این دستور کار به‌طور مستقیم (اهداف ۱۳، ۱۲، ۸، ۵، ۳، ۱) و غیرمستقیم بقیه اهداف نقش اصلی و محوری را برعهده دارد. اینک سازمان یونسکو و تمام عاملان جامعه بین‌المللی، کارشناسان و ذی‌نفعان جهان، تجربه اجرای اهداف ششگانه برنامه آموزش برای همه (۲۰۱۵ - ۲۰۰۰) را دارند و به همین دلیل توصیه‌های مکرر این سازمان بر جلب مشارکت تمام شرکا در رویکردی، فرابخشی، اعم از نهادهای رسمی و غیررسمی، دولتی و خصوصی است. نکته قابل توجه دیگر این است که آموزش فراگیر در چارچوب عمل جهانی

آموزش ۲۰۳۰ بر مراتب دامنه‌ای گسترده‌تر و تکالیفی وسیع‌تر از برنامه آموزش برای همه دارد و علاوه بر حوزه‌های ناتمام آموزش برای همه، حوزه‌های دیگر آموزش از جمله اشتغال و توسعه مهارت‌ها، آموزش فنی - حرفه‌ای، آموزش عالی، آموزش سلامت و بهداشت، آموزش‌های اجتماعی و شهروندی را نیز دربر می‌گیرد تا فرایند گذار به سوی جوامع یادگیرنده و دانش‌بنیان با کمترین مشکل صورت پذیرد. با وجود این شرایط، روشن است که وزارت آموزش و پرورش به تنهایی نمی‌تواند از عهده این تکالیف برآید. به همین دلیل از نهادهای ذی‌ربط جهانی مثل یونسکو، یونیسف، برنامه توسعه ملل متحد، صندوق جمعیت ملل متحد و بانک جهانی و نهادهای ملی ذی‌ربط در سطح هر کشور انتظار می‌رود که در تحقق هدف چهارم و اهداف ویژه دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰ پایمردی و اهتمام ورزند. کمیسیون ملی یونسکو ایران، که مطابق با بند ۷ اساسنامه سازمان یونسکو، نهاد متولی اجرای چارچوب عمل‌های جهانی در ایران است از آغاز فرایند تهیه و نهایی‌سازی چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰ در یونسکو درباره محتوای این سند مشورت‌های گسترده ملی را با نهادهای ذی‌ربط، متخصصان و صاحب‌نظران ارشد و نیز کمیته‌های ملی تخصصی به‌منظور جمع‌بندی نظریات جمهوری اسلامی ایران به‌عمل آورد و بدین ترتیب دیدگاه‌های کشورمان را در زمینه چارچوب عمل - جهانی آموزش ۲۰۳۰ از طریق نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در یونسکو به دبیرخانه اسپک ارائه کرد^۱.

با توجه به تعهد ایران درباره اجرایی‌سازی مفاد این سند مناسبتر است از عبارت برنامه ملی آموزش ۲۰۳۰ به جای واژه سند استفاده شود. با در نظر گرفتن این مسئله که علاوه بر برنامه ۲۰۳۰ برنامه، اسناد جامع، رهنامه و... نیز توسط نخبگان بومی و با لحاظ شرایط، اهداف و آرمانهای جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است به روش تحلیل عنوان به مقایسه برنامه ملی ۲۰۳۰ و سند بنیادین آموزش و پرورش به‌عنوان مهمترین سند آموزشی بومی کشور پرداخته می‌شود.

روش

طرح این مقاله با روش تحلیل محتوای کیفی مقایسه‌ای (تحلیل عنوان) انجام شده است در این فرایند وقتی نکات کلیدی در اسناد شناسه‌گذاری می‌شود، شناسه‌های حاصل تحلیل می‌شود و آن دسته از شناسه‌ها که به موضوع مشترکی اشاره دارد، گروه‌بندی می‌شود. این محور مشترک خود

در کنار یکدیگر تشکیل یک مقوله را می‌دهد. شکل‌گیری مقوله‌ها در نهایت به ظهور نظریه منجر می‌شود (میراحمدی، ۱۳۹۶: ۶۰). در این پژوهش حق آموزش زنان در سند ملی آموزش ۲۰۳۰ و سند تحول بنیادین مورد بررسی قرار گرفته و برای گردآوری اطلاعات این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و الکترونیکی استفاده شده است.

جدول ۱. نکات کلیدی سند ۲۰۳۰

ردیف	گزاره سند ۲۰۳۰	شناسه	شماره صفحه
۱	تأکید هدف چهارم از اهداف توسعه پایدار بر تضمین آموزش باکیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصتهای یادگیری مادام‌العمر برای همه است. ... این هدف بر مبنای دیدگاهی انسانمدار از آموزش و توسعه پایدار، استوار است.	تضمین آموزش باکیفیت، برابر، فراگیر و مادام‌العمر بر مبنای دیدگاه انسانمدار	بیانیه اینچئون
۲	تضمین اینکه همه یادگیرندگان تا سال ۲۰۳۰ به دانش و مهارتهای ضروری برای ترویج توسعه پایدار دست یابند بویژه از طریق آموزش برای توسعه پایدار و سبکهای زندگی پایدار، حقوق بشر، تساوی جنسیتی، فرهنگ صلح و نبود خشونت، شهروند جهانی و احترام به تنوع فرهنگی و مشارکت فرهنگها در تحقق توسعه پایدار	تضمین دانش‌آموزی به‌منظور ترویج توسعه پایدار	۲۶۹
۳	ترویج آموزشهای فنی‌وحرفه‌ای، آموزش عالی و دانشگاهی و یادگیری بزرگسالان ... (با توجه ویژه به مسئله تساوی جنسیتی) برابری میان زنان و مردان و حذف موانع جنسیتی و همینطور با توجه به انتشار آسیب‌پذیر از جمله معلولان	به رسمیت‌شناسی تساوی جنسیتی	۲۶
۴	تضمین بازبینی کتابها و برنامه‌های درسی، بودجه و سیاست‌گذاریهای آموزشی و همین‌طور آموزش معلمان و نظارت بر فعالیتهای آنان توسط دولتها ... عاری از هرگونه کلیشه جنسیتی باشند و در ترویج تساوی، عدم تبعیض، حقوق بشر و آموزش بین فرهنگی مؤثر واقع شوند.	حذف کلیشه‌های جنسیتی	۲۸
۵	- ایجاد و نشر اقدامهای بهینه در زمینه آموزش برای توسعه پایدار و آموزش شهروندی جهانی در درون و میان کشورها به‌منظور اجرای بهینه برنامه‌های آموزشی و تقویت همکاریها و تفاهم بین‌المللی - ترویج برنامه‌های مشارکتی برای یادگیرندگان و آموزگاران در زمینه آموزش برای توسعه پایدار و آموزش شهروندی جهانی به‌منظور تضمین مشارکت آنان در اجتماعات و جوامع	تربیت شهروند جهانی	۲۹
۶	- ترویج رویکرد بین رشته‌ای و در صورت لزوم رویکرد چند ذی‌نفعی برای تضمین آموزش برای توسعه پایدار و آموزش شهروندی جهانی ... با هدف ترویج فرهنگ صلح و نبود خشونت - تدوین و اجرایی کردن سیاستهای جامع، چند وجهی و منسجم جنسیت محوری که نیازهای معلولان را هم مدنظر قرار می‌دهند و ترویج هنجارها و نظامهایی برای تضمین امنیت مدارس و به دور ماندن آنها از خشونت	حذف خشونت در محیط‌های آموزشی	۲۹

فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، سال چهاردهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۹۸

ادامه جدول ۱. نکات کلیدی سند ۲۰۳۰

ردیف	گزاره سند ۲۰۳۰	شناسه	شماره صفحه
۷	ایجاد چارچوبی برای (ارزیابی) توانمندیهای معلمان، استادان تربیت معلم و ناظران و افرادی که مسئول بازرسی فعالیتهای معلمان هستند.	ضرورت ایجاد چارچوب ارزشیابی معلمان	۳۲
۸	ایجاد نظامی برای گردآوری، تحلیل و به اشتراک گذاری دادههای مرتبط و بهنگام در مورد سطوح سوادآموزی و نیازهای سوادآموزی و حسابآموزی بر حسب جنسیت و دیگر شاخصهای به حاشیه رانده شدن	ایجاد نظام اطلاعاتی برحسب جنسیت و دیگر شاخصهای به حاشیه رانده شده	۷۴
۹	تضمین اینکه تا سال ۲۰۳۰ تمامی یادگیرندگان از طریق آموزش برای توسعه پایدار، آموزش برای سبک زندگی پایدار، حقوق بشر، برابری جنسیتی، ارتقای فرهنگ صلح و ضد خشونت، شهروندی جهانی، به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی و شناخت جایگاه فرهنگ در توسعه پایدار بتوانند به دانش و مهارتهای مورد نیاز برای ارتقای توسعه پایدار دست یابند.	دستیابی به دانش و مهارتهای مورد نیاز برای ارتقای توسعه پایدار	۷۵
۱۰	ایجاد و بهروزرسانی امکانات آموزشی متناسب با جنسیت برای کودکان و معلولان و تأمین محیطهای یادگیری امن، بدون خشونت، فراگیر و مؤثر برای همه	ایجاد محیط متناسب با جنسیت	۷۶
۱۱	<p>- طراحی و اجرای برنامهها، خدمات و زیربنای کیفی جامع، قابل دسترسی و منسجم برای اوان کودکی درحوزههای بهداشت، تغذیه، نیازهای آموزشی و حمایتی بویژه برای کودکان معلول و حمایت از خانوادهها به عنوان اولین مراقبان کودکان</p> <p>- گنجاندن مؤلفههای یادگیری مادامالعمر از جمله بهره گیری از تجهیزات و فناوریهای نوین آموزشی در راهکار ۱-۱ و ارائه آموزش زبان خارجی در راهکار ۵-۱ و گسترش دادن و تنوع دادن به حرفهها و آموزش مهارتهای مورد نیاز راهکار ۷-۱ و تدوین برنامه جامع مشارکت خانواده راهکار ۳-۴</p> <p>- طراحی و اجرای برنامهها، خدمات و زیربنای کیفی جامع، قابل دسترسی و منسجم برای اوان کودکی در حوزههای بهداشت، تغذیه، نیازهای آموزشی و حمایتی بویژه برای کودکان معلول و حمایت از خانوادهها به عنوان اولین مراقبان کودکان</p> <p>- توسعه مداخله خانوادهها در برنامههای آموزشی مدارس</p> <p>- بیمه کردن کودکان کار و خانوادههای آنها توسط سازمان تأمین اجتماعی - وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دیگر بیمهها</p> <p>- عرضه خدمات درمانی به کودکان کار و خانوادههای آنها توسط بیمه خدمات درمانی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمانهای مردم نهاد مرتبط</p>	اهمیت خانواده در فرایند آموزشی	۲۶-۱۷۹- ۱۳۶-۶۹-۴۲
۱۲	محیطهای یادگیری از مدرسه فراتر رود و به جامعه و خانه و خانواده تسری یابد. در این زمینه توسعه آموزشهای مهارتهای زندگی به دانش آموزان، اولیا و والدین مورد توجه جدی است.	توسعه محیطهای آموزشی	۱۱۴

سند ملی آموزش ۲۰۳۰ - جمهوری اسلامی ایران و حق آموزش زنان

ادامه جدول ۱. نکات کلیدی سند ۲۰۳۰

ردیف	گزاره سند ۲۰۳۰	شناسه	شماره صفحه
۱۳	طراحی و اجرای برنامه‌ها، خدمات و زیرساختهای فراگیر در دسترس و یکپارچه با کیفیت در دوره ابتدای کودکی که نیازهای بهداشتی، تغذیه‌ای، حمایتی و آموزشی (بویژه برای کودکان دارای معلولیت) را پوشش دهد و از خانواده‌ها به‌عنوان نخستین مراقبان کودکان حمایت کند.	حمایت از خانواده به‌عنوان نخستین مراقبان کودکان	۱۱۷
۱۴	<p>- ترویج آموزشهای فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی و دانشگاهی و یادگیری بزرگسالان و هم‌چنین ترویج فرصتهایی برای آموزش و تربیت جوانان و بزرگسالان در همه رده‌های سنی و از هر قشر اجتماعی - فرهنگی با هدف توانمندسازی آنان برای ارتقا و سازگاری مهارت‌هایشان با نیازهای موجود (باتوجه ویژه به مسئله تساوی جنسیتی)، برابری میان زنان و مردان و حذف موانع جنسیتی و همین‌طور با توجه به اقشار آسیب‌پذیر از جمله معلولان، تدوین سیاستها و برنامه‌هایی برای ترویج آموزش برای توسعه پایدار و آموزش شهروندی و ادغام آنها در آموزشهای رسمی، غیررسمی و آزاد. اجرای این کار از طریق اصلاح نظام آموزشی، آموزش معلمان، اصلاح مواد درسی و حمایتهای آموزشی امکانپذیر می‌شود. اجرای برنامه اقدام جهانی آموزش برای توسعه پایدار و موضوعهایی از قبیل حقوق بشر، تساوی جنسیتی، بهداشت، آموزشهای جامع جنسی (تنظیم خانواده)، تغییر اقلیم، معیشت‌های پایدار و شهروندی مسئولانه و پویا نیز مشمول مورد یاد شده می‌شود. لازم است ذکر شود که در ادغام این موارد در برنامه‌های آموزشی کشورها، توجه به توانمندیها و تجارب ملی اهمیت زیادی دارد.</p> <p>- تضمین اینکه همه یادگیرندگان تا سال ۲۰۳۰ به دانش و مهارتهای ضروری برای ترویج توسعه پایدار دست یابند بویژه از طریق آموزش برای توسعه پایدار و سبکهای زندگی پایدار، حقوق بشر، تساوی جنسیتی، فرهنگ صلح و نبود خشونت، شهروند جهانی و احترام به تنوع فرهنگی و مشارکت فرهنگها در تحقق توسعه پایدار دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران</p>	تساوی جنسیتی در آموزش	۷۰-۷۵-۲۶۹
۱۵	اصلاح برنامه‌ها و محتوای دروس به‌منظور رفع تبعیض، کلیشه‌های جنسیتی و قومیتی	اصلاح محتوای آموزشی به‌منظور رفع تبعیض و کلیشه‌های جنسیتی و قومیتی	۳۳

فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، سال چهاردهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۹۸

جدول ۲. نکات کلیدی سند تحول بنیادین

ردیف	گزاره سند تحول	شناسه	شماره صفحه
۱	تعلیم و تربیت فرایندی تعالی جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی است که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه‌های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم می‌آورد ... یکی از مشخصات اصلی حیات طیبه، تکیه بر ارزش غایی زندگی - قرب‌الی‌الله - و نظام معیار متناسب با آن یعنی مبانی و ارزشهای مقبول دین اسلام است.	قرب الهی مبنای آموزش و تربیت	۱۰-۱۳
۲	تربیت انسانی موحد، مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیتها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن‌دوست، مهرورز، جمعگرا و جهانی‌اندیش، ولایتمدار و منتظر و تلاشگر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت نفس، امانتدار، دانا و توانا، پاکدامن و با حیا، انتخابگر و آزاد منش، متخلق به اخلاق اسلامی خلاق و کارفرین و مقتصد و ماهر، سالم و بانشاط، قانون‌مدار و نظم‌پذیر و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی	تربیت نیروی انسانی موحد هدف ابتدایی نظام آموزشی	۲۴
۳	گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی عبارتند از: ۱. آموزه‌های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه‌ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) بویژه امام زمان (عج) و ولایتمداری در تمام ساحتها برای تحقق جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی) ۲. آموزه‌های بنیادین مهدویت و انتظار که رمز هویت اسلام ناب و عامل حیات و بقای آن در عصر غیبت است، مهمترین رسالت منتظران در عصر غیبت است. ۳. میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره)، تعمیق علاقه و پیوند با انقلاب اسلامی، قانون اساسی و ولایت فقیه ۴. فرایند آموزش و تربیت در تمام ساحت‌های آموزشی و تربیتی شامل آموزش و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، آموزش و تربیت اجتماعی و سیاسی، آموزش و تربیت زیستی و بدنی، آموزش و تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، آموزش و تربیت اقتصادی و حرف‌های، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه منطبق بر نظام معیار اسلامی و مبانی و ارزشهای برگرفته از قرآن کریم، سنت حضرات معصومین (علیهم‌السلام) و عقل که آموزش و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در آن محوریت دارد. ۵. زمینه‌سازی کسب شایستگی‌های پایه با تأکید بر ویژگیهای مشترک اسلامی - ایرانی و انقلابی در راستای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش‌آموزان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی ۶. هویت شناخت‌مدار و واقع‌نما و معنای گسترده، جامع و منسجم معرفت (و حیاتی، عقلانی، نقلی و تجربی) ۷. نقش معلم (مربی) به‌عنوان هدایت‌کننده و اسوه‌ای امین و ...	تحقق جامعه مهدوی هدف نهایی آموزش و تربیت رسمی و عمومی	۱۵

ادامه جدول ۲. نکات کلیدی سند تحول بنیادین

ردیف	گزاره سند تحول	شناسه	شماره صفحه
۴	تکوین و تعالی جنبه‌های انسانی هویت دانش‌آموزان برای تقویت روابط حق‌محور، عدالت‌گستر و مهرورزانه با همه انسانها در سراسر جهان	تعالی جنبه‌های انسانی هویت افراد برای عدالت‌گستری جهانی	۱۷
۵	ارتقای جایگاه و نقش تربیتی خانواده و مشارکت اثربخش آن با نظام آموزش و تربیت رسمی عمومی وزارت آموزش و پرورش مهمترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی متولی فرایند آموزش و تربیت در همه ساحتهای تعلیم و تربیت، قوام‌بخش فرهنگ عمومی و تعالی‌بخش جامعه اسلامی براساس نظام معیار اسلامی با مشارکت خانواده، نهادها و سازمانهای دولتی و غیردولتی است. این نهاد مأموریت دارد با تأکید بر شایستگیهای پایه، زمینه دستیابی دانش‌آموزان در سنین لازم‌التعلیم طی ۱۲ پایه (چهار دوره تحصیلی سه ساله) تحصیلی بمراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را به‌صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش فراهم سازد. اجرای این مهم نقش زیرساختی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی خواهد داشت. ارتقای نقش نظام آموزش و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، گسترش و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه‌سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی - ایرانی در راستای تحقق جامعه جهانی عدل مهدوی ارتقای معرفت و بصیرت دینی، انقلابی و سیاسی برای رشد و تعالی معنوی و اخلاقی معلمان و دانش‌آموزان و مشارکت برای ارتقای معنوی خانواده (هدفهای کلان ۱، ۲، ۴، ۵) تقویت بنیان خانواده و کمک به افزایش سطح تواناییها و مهارتهای خانواده در ایفای نقش تربیتی متناسب با اقتضانات جامعه اسلامی (۲ و ۵)	ارتقای جایگاه و نقش تربیتی خانواده	۲۰-۲۷۲۴-۱۷
۶	عدالت تربیتی در ابعاد کمی، همگانی و الزامی و عدالت کیفی با رعایت تفاوت‌های فردی، جنسیتی، فرهنگی و جغرافیایی	رعایت عدالت تربیتی با توجه به تفاوت‌های فردی	۱۷
۷	وطن‌دوستی و افتخار به ارزشهای اصیل و ماندگار اسلامی - ایرانی و اهتمام به برپایی جامعه مهدوی، تقویت گرایش به زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان زبان مشترک - استمرار فرهنگ اسلامی - ایرانی از طریق ارزیابی آگاهانه آن و تعامل نقادانه با دیگر فرهنگها براساس نظام معیار اسلامی	ارزشگذاری به وطن و فرهنگ و زبان ایرانی اسلامی	۱۸
۸	برخوردار از مربیان دارای فضایل اخلاقی و شایستگی‌های حرف‌های با هویت یکپارچه توحیدی براساس نظام معیار اسلامی	برخورداری از فضایل اخلاقی معیار مربیان نظام آموزشی	۲۱

فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، سال چهاردهم، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۹۸

ادامه جدول ۲. نکات کلیدی سند تحول بنیادین

ردیف	گزاره سند تحول	شناسه	شماره صفحه
۹	بازنگری و اصلاح برنامه‌های درسی مبتنی بر رویکرد فرهنگی - تربیتی و تقویت و توسعه جنبه‌های تربیتی و اخلاقی آنها به منظور فراهم آوردن زمینه تربیت‌پذیری دانش‌آموزان براساس فرهنگ اسلامی - ایرانی بازنگری و بازتولید برنامه‌ها و محتوای آموزشی و روشهای تربیتی برای درونی‌سازی و تعمیق و ترویج فرهنگ حیا، عفاف و حجاب اصلاح محتوا، ارتقای جایگاه، افزایش کیفیت و کارآمدی علوم انسانی در نظام آموزش و تربیت رسمی عمومی مبتنی بر مبانی دینی در چارچوب نظام معیار اسلامی (۱)	اصلاح برنامه‌های درسی بر اساس مؤلفه‌های دینی	۵۱-۳۳
۱۰	گسترش و تأمین همه‌جانبه عدالت آموزشی و تربیتی، تأمین و گسترش عدالت در برخورداری از فرصتهای تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب با توجه به تفاوتها و ویژگیهای دختران و پسران و مناطق مختلف کشور (۵، ۳ و ۷)	گسترش و تأمین عدالت آموزشی	۳۸-۲۶
۱۱	گسترش و تعمیق فرهنگ پژوهش و ارزشیابی، خلاقیت و نوآوری، نظریه‌پردازی و مستندسازی تجربیات علمی - تربیتی بومی در نظام آموزش و تربیت رسمی عمومی (هدفهای کلان ۴، ۱، ۲ و ۸)	اهمیت پژوهش در نظام آموزش و تربیت	۲۷

شکل‌گیری مفاهیم: در جدول شماره ۱، که سند ۲۰۳۰ مورد ارزیابی قرار گرفته است، شناسه تضمین آموزش با کیفیت، برابر، فراگیر و مادام‌العمر بر مبنای دیدگاه انسان‌مدار از بخش اول جدول شماره ۱ برداشت می‌شود، همه نکات کلیدی دیگر با این شناسه مقایسه می‌شود تا مشخص شود آیا شناسه‌های مشابه با آن هست یا خیر. شناسه‌های زیر دارای نقاط مشترک است:

«به رسمیت‌شناسی تساوی جنسیتی، حذف کلیشه‌های جنسیتی، ایجاد نظام اطلاعاتی برحسب جنسیت و دیگر شاخصهای به‌حاشیه‌رانده شده، تساوی جنسیتی در آموزش، اصلاح محتوای آموزشی به منظور رفع تبعیض و کلیشه‌های جنسیتی و قومیتی» ویژگی مشترک این شناسه‌ها تساوی جنسیتی، و این نخستین مفهومی است که از محتوای داده‌ها ظهور می‌یابد. فرایند مقایسه شناسه‌ها با یکدیگر برای یافتن محور مشترک به شکل‌گیری مفاهیم از شناسه‌ها منجر می‌شود که در جدول شماره ۳ بیان شده است.

جدول ۳. شکل‌گیری مفاهیم از شناسه‌های سند ۲۰۳۰

مفهوم	شناسه
توسعه پایدار	تضمین آموزش باکیفیت، برابر، فراگیر و مادام‌العمر بر مبنای دیدگاه انسانمدار، تضمین دانش‌آموزی به‌منظور ترویج توسعه پایدار، دستیابی به دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای ارتقای توسعه پایدار، توسعه محیط‌های آموزشی
تساوی جنسیتی	به رسمیت‌شناسی تساوی جنسیتی، حذف کلیشه‌های جنسیتی، ایجاد نظام اطلاعاتی برحسب جنسیت و دیگر شاخص‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده، ایجاد محیط متناسب با جنسیت، تساوی جنسیتی در آموزش
یکسان‌سازی افراد	تربیت شهروند جهانی
خشونت‌زدایی	حذف خشونت در محیط‌های آموزشی
ارزشگذاری به نهاد خانواده (هر نوع خانواده‌ای)	اهمیت خانواده در فرایند آموزشی، حمایت از خانواده به‌عنوان نخستین مراقبان کودکان

در جدول شماره ۲، که سند تحول بنیادین مورد بررسی قرار گرفته است، شناسه قرب الهی مبنای آموزش و تربیت و مبنای مقایسه دیگر شناسه‌ها قرار می‌گیرد تا شناسه‌های مشابه گزینش شود. شناسه‌های زیر دارای نقاط مشترک است:

«تربیت نیروی انسانی موحد هدف نظام آموزشی، تحقق جامعه مهدوی هدف نهایی تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، تعالی جنبه‌های انسانی هویت افراد برای عدالت‌گستری جهانی، برخورداری از فضایل اخلاقی معیار مرییان نظام آموزشی، اصلاح برنامه‌های درسی براساس مؤلفه‌های دینی». ویژگی مشترک این شناسه‌ها خدامحوری در نظام آموزشی است و این نخستین مفهومی است که از محتوای داده‌ها ظهور می‌یابد. فرایند مقایسه شناسه‌ها با یکدیگر برای یافتن محور مشترک در جدول شماره ۴ بیان شده است.

جدول ۴. شکل‌گیری مفاهیم از شناسه‌های سند تحول

مفهوم	شناسه
خدامحوری در نظام آموزش	قرب الهی مبنای آموزش و تربیت، تربیت نیروی انسانی موحد هدف نظام آموزشی، تحقق جامعه مهدوی هدف نهایی تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، تعالی جنبه‌های انسانی هویت افراد برای عدالت‌گستری جهانی، برخورداری از فضایل اخلاقی معیار مربیان نظام آموزشی، اصلاح برنامه‌های درسی براساس مؤلفه‌های دینی
ارزشگذاری به خانواده (زن و مردی که با عقد ازدواج صاحب فرزند شده‌اند).	ارتقای جایگاه و نقش تربیتی خانواده
عدالت تربیتی	رعایت عدالت تربیتی با توجه به تفاوت‌های فردی، گسترش و تأمین عدالت آموزشی
مبانی ایرانی اسلامی معیار ارزشگذاری	ارزشگذاری به وطن و فرهنگ و زبان ایرانی اسلامی
آموزش و تربیت پژوهش محور	اهمیت پژوهش در نظام آموزش و تربیت

از طریق مقایسه هر مفهوم با مفهوم دیگر محورهای مشترک دیگری یافت می‌شود که عنوان مقوله به خود می‌گیرد. از طریق به کارگیری فن مقایسه مستمر، مفاهیم هر مقوله یا موضوع مشترک به دست می‌آید که به ترتیب در جدولهای ۵ (سند ۲۰۳۰) و ۶ (سند تحول) ارائه شده است.

جدول ۵. شکل‌گیری مقوله‌ها از مفاهیم مستخرج از شناسه‌های سند ۲۰۳۰

مفهوم	مقوله
توسعه پایدار	اهداف نظام آموزشی
تساوی جنسیتی	
یکسان‌سازی افراد	
خشونت‌زدایی	
ارزشگذاری به نهاد خانواده (هر نوع خانواده‌ای)	

جدول ۶. شکل‌گیری مقوله‌ها از مفاهیم مستخرج از شناسه‌های سند تحول

مفهوم	مقوله
خدامحوری در نظام آموزش	اهداف نظام تربیتی - آموزشی
عدالت تربیتی	
مبانی ایرانی اسلامی به عنوان معیار ارزشگذاری	
آموزش و تربیت پژوهش محور	
ارزشگذاری به خانواده (زن و مردی که با عقد ازدواج صاحب فرزند شده‌اند)	

یافته‌ها

- با توجه به تحلیلها و با بررسی مقوله‌ها و مفاهیم دو سند، الگوی کامل اهداف آموزشی و تربیتی در دو سند شکل گرفت. اهداف آموزشی در برنامه ملی ۲۰۳۰ عبارت است از: توسعه پایدار، تساوی جنسیتی، یکسان‌سازی افراد، خشونت‌زدایی، ارزشگذاری به نهاد خانواده (هر نوع خانواده‌ای). در این الگو مفهوم بنیادین توسعه پایدار است و در پرتو تلاش در جهت ایجاد شهروند جهانی و شهروند جهان وطن، یکسان‌سازی افراد صورت می‌گیرد. در این الگو هر نوع خانواده‌ای اعم از دو زن، دو مرد و...، که خانواده‌ای را تشکیل داده باشند، محترم هستند. به‌طور خلاصه در تدقیق این سند آنچه مورد پذیرش مؤلفان آن است، اعتقاد به سکولاریسم است در حالی که در الگوی اهداف نظام تربیتی - آموزشی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مفاهیم شامل خدامحوری در نظام آموزش، عدالت تربیتی، مبانی ایرانی به‌عنوان معیار ارزشگذاری، آموزش و تربیت پژوهش‌محور، ارزشگذاری به خانواده (زن و مردی که با عقد ازدواج صاحب فرزند شده‌اند). است. در این الگو مفهوم بنیادین خدامحوری در نظام تربیتی و آموزشی است که با استمداد به مبانی اعتقادی عدالت تربیتی را در سامانه تربیتی و آموزشی به همراه دارد. معیار ارزشگذاری در این الگو بر مبنای مبانی ایرانی اسلامی است و خانواده‌ای محترم شمرده می‌شود که با عقد رسمی زن و مرد صاحب فرزند شوند.

- با توجه به این توضیحات با در نظر گرفتن برنامه ۲۰۳۰ با دیگر اسناد آموزشی کشور، این سؤال مطرح می‌شود که با توجه به یکسان بودن موضوع برنامه ملی ۲۰۳۰ و برخی اسناد دیگر درباره آموزش، نسبت این برنامه ملی با سند رسمی تحول بنیادین آموزش و پرورش، که پس از قریب یک دهه تلاش در سال ۱۳۹۱ تدوین شد و دیگر اسناد بالادستی همچون برنامه جامع تحول چگونه است؟ با وجود اسناد متعدد آموزشی بومی در کشور چه اهدافی کشور را به پذیرش اسناد دیگر ملزم می‌کند؟ تعارضات این برنامه با دیگر اسناد بالادستی چگونه برطرف می‌شود؟ به‌عنوان مثال در راهبردهای اساسی آرمان ۴ و ۷ و در بخشهای مختلف برنامه ۲۰۳۰ از اهتمام سند برای تکامل افراد در سیر آموزشی به مقوله جهانی سازی در تربیت شهروند جهانی سخن به میان می‌آید؛ اما ویژگیهای این تربیت چیست؟ آیا ملت مسلمان خود شهروند جهانی نیست؟ در حالی که طبق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، این وزارتخانه باید در جهت دستیابی دانش‌آموزان به حیات طیبه، که ثمره زندگی صالح است و تربیت شهروند ایرانی و انقلابی تلاش کند، ویژگیهای

زندگی انسان صالح، تقوا، عمل درست، مؤمنانه و همراه با تعهد است؛ امری که در سند ۲۰۳۰ دیده نشده است و این مورد از تعارض اعتقادی و فلسفی میان مؤلفان این اسناد حاصل می‌شود.

- با استناد به بیانات مقام معظم رهبری که فرمودند «ما برای تربیت نسل آینده با حریفی به نام نظام سلطه بین‌المللی مواجه هستیم که برای نسل جوان ملتها، بویژه ملت ایران برنامه دارد، نوسازی نظام آموزشی به شیوه تقلیدی و رونویسی از دست غربی‌ها کاری غلط است، آموزش و پرورش در قانون اساسی، مسئله‌ای حاکمیتی است و دولت باید نقش آفرینی کند (۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۵)».

مفهوم خصوصی‌سازی آموزش و پرورش مبتنی بر حاکمیتی بودن نظام است؛ یعنی سیاستگذاری، اهداف، پایش و نظارت امر حاکمیتی است و مؤسسات خصوصی می‌توانند در اجرا مشارکت کنند که این مهم در بسیاری از کشورها مرسوم، و از شاخصهای استقلال ملی است و این موضوع با سه نقش هدایت و هماهنگی، نظارت و گزارشدهی سازمان «یونسکو»، که در مقدمه این برنامه ذکر شده است در تناقض است.

- عنوان «تغییر نگرش سنتی نسبت به آموزش زنان»، که در بخشی از سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران بیان شده است با مبانی و اعتقادات اسلامی کشور ایران منافات دارد. علت اصلی تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش براساس تحول اساسی و مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت (فلسفه برنامه درسی) است که در آن علم‌آموزی برای هر مرد و زن واجب است و دین‌باوری، خدامحوری، عدالت و قرب‌الهی به حیات طیبه انسانی منجر می‌شود؛ یعنی نگرش سنتی نسبت به آموزش زنان، امری متعالی و برگرفته از عدالت آموزشی و اجتماعی است که اسلام در مورد حقوق زنان بر آن تأکید کرده است؛ پس این گونه نیست که هرآنچه به سنت مربوط باشد، باید تغییر پیدا کند. این نگرش ضد سنتی از تفکر نومفهوم‌گرایان و پست مدرنیسم است که همه چیز را در حال تغییر و تحول می‌دانند و حتی با قانون علمی، که مدرنیسم‌ها آن را ثابت می‌دانند، مخالفند. به نظر می‌رسد این نگرش ضدسنتی به این نظریه، که هیچ چیز ثابت وجود ندارد، ختم می‌شود که به نوعی اعتقاد و ایمان به خدا و فطرت‌الهی انسان را هم نشانه خواهد گرفت که تغییرناپذیر است (روم / ۳۰) (بنائیان، ۱۳۹۵: ۱۰).

- این بیانیه، دولت‌ها را به فراهم کردن فرصتهای یادگیری مادام‌العمر برای افراد ترغیب می‌کند تا تک‌تک افراد به رشد فکری ادامه دهند و برنامه اصلی خود را دگرگون ساختن جهان ما بیان می‌کند؛ اما آرمان مورد پذیرش تغییر را بیان نمی‌کند. روشن است که تغییر مدنظر در کشور اسلامی از نوع جمهوری تفاوت تام با تغییر مدنظر هر کشور سکولار یا لیبرال دارد. بنیانگذار

انقلاب اسلامی، انقلاب مردم ایران را نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت مهدی (عج) می‌دانند و معتقدند که پشت کردن به فرهنگ دول دنیاى امروز و پایه‌ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با امریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال دارد (موسوی‌الخمینی، ۱۳۷۱: ۳۲۷) و این امری است که اگر بدرستی مسیر ایمان بنامیم، نباید از آن بهراسیم. رهبری جمهوری اسلامی ایران امام خامنه‌ای (مدظله) در این زمینه به این نکته اذعان کرده‌اند که «بنده این توسعه غربی را به هیچ وجه قبول ندارم؛ پایه‌هایش غلط است، مبانی‌اش غلط است، بسیاری از فروعاتش غلط است» (۱۳۹۵/۰۴/۱۲).

- با توجه به تألیف سند ملی ۲۰۳۰ توسط افراد غیربومی بسیاری از عبارات سند ملی ۲۰۳۰ مفهومی متفاوت از مفاهیم داخلی آنها دارد. به همین دلیل به منظور دریافت معانی و مفاهیم دقیق آنها رجوع به اسناد دیگری بجز سند ۲۰۳۰ ضروری است. بند ۴ بیانیه اینچئون،^۱ بیان می‌کند ما اهمیت برابری جنسیتی در دستیابی به حق آموزش برای همه را به رسمیت می‌شناسیم و به همین دلیل تعهد خود را به حمایت از سیاست‌ها، برنامه‌ریزی و محیط‌های آموزشی حساس به جنسیت، جریان‌سازی مسائل مربوط به جنسیت در برنامه درسی و آموزشی معلمان و از بین بردن تبعیض و خشونت جنسیت محور در مدارس اعلام می‌کنیم.

- چندی پیش شارون اسلاتر، مدیرعامل مؤسسه بین‌المللی دیده‌بان خانواده و عضو انجمن حقوق خانواده سازمان ملل متحد در مورد دستور کار ۲۰۳۰ گزارشی را منتشر کرد و از جانب خود تهدیدهای دستورکار را مورد بررسی قرار داد. این گزارش، که به زبان انگلیسی است با عنوان «تحلیلی بر دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰، تهدیدهای پنهان برای زندگی، خانواده و کودکان» تکیه بر مفهوم‌شناسی عبارات بعضاً مبهم دستورکار ۲۰۳۰ دارد. این گزارش با خلاصه‌ای از ماهیت کلی دستور کار ۲۰۳۰ آغاز شده است و سپس تجزیه و تحلیل عمیقی از اهداف و شاخصهایی ارائه می‌کند که براحتی می‌تواند حقوق جنسی بحث‌برانگیز را ترویج دهد که شامل

۱. پیش‌نویس اولیه «چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰» در اجلاس مجمع جهانی آموزش، که از تاریخ ۱۹ تا ۲۲ می ۲۰۱۵ در اینچئون کره جنوبی برگزار شد، ارائه شد. در پی اجلاس اینچئون، «چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰» برای تصویب نهایی به اجلاس مقامات عالی‌رتبه آموزش جهان در حاشیه سی‌وهشتمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو ارائه شد. این اجلاس از روز ۱۳ تا ۱۵ آبان ۱۳۹۴ با حضور بیش از ۹۰ وزیر آموزش و دیگر مقامات عالی‌رتبه کشورها در مقر یونسکو پاریس برگزار شد. در این نشست دستور کار آموزش ۲۰۳۰ شامل «اهداف ناتمام آموزش برای همه» و «مقابله با چالشهای جدید در چارچوب گسترده‌تر توسعه بعد از ۲۰۱۵» مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و «چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰» به تصویب اجلاس رسید.

مسائلی نظیر سقط جنین، گرایشهای جنسی، هویت جنسیتی و آموزشهای جنسیتی صریح و مضر برای کودکان می‌شود (<http://basijlaw.ir/product/7163>).

آنچه از گزارش شارون اسلاتر و دیگر گزارشهای یونسکو برداشت می‌شود، این است که هدف یونسکو از آموزش درباره مسائل جنسی یا همجنس‌گرایی در مدارس یا محیط‌های آموزشی، پیشگیری و جلوگیری از خشونت یا رفتارهای تبعیض‌آمیز نسبت به افرادی است که مشکلاتی مانند تراجنسی دارند، یعنی کسانی که به‌طور مادرزادی دارای تضاد جنسیتی^۱ هستند یا تمایلات همجنس‌گرایی^۲ یا تمایل به هر دو جنس^۳ در آنهاست. در واقع آنچه در یکی از گزارشهای یونسکو تحت عنوان «در را باز کن»^۴، بیان می‌شود این است که یونسکو به‌دنبال ایجاد محیط‌های امن برای آموزش است که از هرگونه رفتارهای تبعیض‌آمیز، شوخیهای نامناسب، خشم و خشونت کودکان و نوجوانان نسبت به یکدیگر و یا نسبت به همسالان خود عاری باشد که یکی از این مشکلات جنسیتی را دارند. در این سند، تحقیقاتی در کشورهای مختلف دنیا نسبت به این رفتارهای تبعیض‌آمیز و خشونت‌آمیز در محیط‌های آموزشی انجام شده که نتایج آن در سند بیان شده است. یافته‌های این تحقیقات نشان می‌دهد که در بسیاری از محیط‌های آموزشی دنیا کودکان رفتارهای نامناسبی نسبت به یکدیگر و بویژه افرادی با مشکلات و جهتگیریهای جنسی متفاوت یا ناهمگون دارند.

در نتیجه تحقیقات، این سازمان به‌دنبال ایجاد چارچوبها^۵ و برنامه‌های آموزشی به‌منظور پیشگیری یا پاسخ به این رفتارهای نامناسب و بعضاً خشونت‌آمیز در محیط‌های آموزشی است. لازم به ذکر است که این رفتارهای نامناسب و خشونت‌آمیز طبق این تحقیقات هم توسط دانش‌آموزان و هم توسط معلمان و اولیا مدارس صورت گرفته است. چنین گزارشها و اسنادی در چارچوب برنامه توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان ملل انجام شده است که براساس تحقیقات کشورهای مختلف، توصیه‌هایی را نسبت به مسائل مختلف از جمله آموزش در مدارس و آموزش درباره مسائل جنسی به‌منظور جلوگیری از خشونت، رفتارهای تبعیض‌آمیز و نامناسب با افراد با مشکل جنسی ارائه می‌کند. توصیه‌های این گزارش که بر تحقیقات مبتنی است، موارد ذیل را به‌منظور

1. Transsexual/transgender

2. Homosexual

3. Biosexual

4. <http://unesdoc.unesco.org/images/0024/002447/244756e.pdf>, out in the open

5. Framework

ایجاد محیط امن و ایمن و عاری از خشونت برای هر دانش‌آموزی (حتی کسانی که مشکلات جنسی دارند) توصیه می‌کند:

- نظارت سامانمند روی خشونت در محیط آموزشی

- خط مشی‌ها و سیاست‌گذارهای جامع در سطوح ملی آموزش و سطوح آموزش در مدارس به‌منظور ایجاد محیطی برای لحاظ کردن مواد آموزشی در برنامه‌های درسی درباره مسائل جنسی و هم‌چنین مشکلات جنسیتی (لازم به ذکر است محققان اشاره می‌کنند که اگر در سطوحی از مدارس یا به هر دلیلی امکان آموزش برخی مسائل جنسی نیست، سعی شود به حداقل آموزش در زمینه تفاوت‌های جنسیتی بسنده شود بویژه در سطوح پایین‌تر آموزشی)

- حمایت از معلمان و کارکنان مدارس و محیط آموزشی به‌منظور اجرای برنامه‌های ضدخشونت در مدارس و محیط‌های آموزشی

- ایجاد محیط آموزشی / مدرسی امن، بدون تبعیض و حامی برای دانش‌آموزان و... (حسینی، ۱۳۹۶)؛ این در حالی است که تربیت جنسی در اسلام و فرهنگ بومی ما انسانی است؛ چرا که در این نظام تربیتی همواره بر کرامت و حرمت و قداست انسان تأکید می‌شود. بنابراین افراد اجازه ندارند از سر شهوت، کرامت خود را زیر پا گذارند و انسانیت خویش را با خواستها و تمایلات فرومایه آلوده سازند. نظام تربیتی اسلام بر پدر و مادر فرض می‌داند که هنجارهای شرعی را به کودک ممیز و در آستانه بلوغ بیاموزند (رفیعی، ۱۳۸۸: ۴۱)؛ آن‌چنانکه دانشمندان غربی به آموزش‌هایی در زمینه مسائل جنسی تأکید می‌کنند (والدمن، ۱۳۸۸: ۳۱)، هدف، موضوع، روش و مواد آموزشی، تابع فرهنگ و باورها و ارزش‌های آنهاست. هدف آموزش در اسلام، تعالی اخلاق، جلب رضایت خداوند و حمایت از کودک در برابر مشکلات جنسی است. اسلام می‌خواهد کودک ممیز با حقایق وجودی پیکر خویش آشنا شود؛ اما این کار آداب، اصول و اخلاقی دارد که باید پاس داشته شود.

در نظام تربیت جنسی در اسلام، باید به پرسش‌های جنسی کودک پاسخ درست و منطقی داد و از کنایه و مجاز هم در پاسخ کمک گرفت؛ چنانکه در قرآن^۱ و احادیث با واژگان بسیاری که مفهوم جنسی دارند روبه‌رو می‌شویم که کودکان از خواندن آنها منع نشده‌اند. دیدگاه گروهی از پژوهشگران که می‌گویند چون کودک به پایان دوران کودکی نزدیک شود، باید او را برای

روبه‌رو شدن با دگرگونیهای مهمی آماده کرد که در دوران بلوغ در او رخ خواهد داد، با نگرش اسلام درباره لزوم عنایت به تربیت جنسی کودک و آماده‌کردن او برای رویارویی با تحولات روحی و جسمی دوران بلوغ مشابه است. اسلام به خطرهای کوتاهی در آگاه‌کردن کودک از تحولات دوران بلوغ هشدار می‌دهد و از والدین می‌خواهد پیش از بلوغ و در اواخر کودکی دوم، هنجارهای شرعی مانند، احتلام و نگاه به نامحرم و عادت ماهانه و طهارت و نماز و لمس قرآن کریم و... را به کودک ممیز آموزش دهند و پرسش‌های جنسی او را بی‌پاسخ نگذارند. در این کار، پدر باید به آموزش فرزند پسر و مادر به آموزش فرزند دختر بپردازد.

مربیان، تربیت جنسی از نگاه اسلام را، آشنا کردن فرد با هنجارهای شرعی می‌دانند؛ آن آشنایی که راه پاکدامنی و برخورد مشروع و معقول با شهوت جنسی را نشان می‌دهد. در فرایند تربیت جنسی اسلامی، مربی، کودک را آموزش نظری و عملی می‌دهد. در آموزش نظری از مفاهیم جنسی و هنجارهای شرعی آنها می‌گوید و در آموزش عملی چگونگی طهارت، غسل جنابت، استبراء و... را آموزش می‌دهد. از آغاز کودکی دوم، بستر و اتاق خواب کودکان را از یکدیگر جدا، و خود در عمل از هرگونه رفتاری با منشأ جنسی پرهیز می‌کند، که محل شخصیت اخلاقی و جنسی کودک باشد، و کودک را نیز از رفتاری باز می‌دارد که به تحریک احساس جنسی او بینجامد. رشد جنسی دختر و پسر متفاوت است؛ بنابراین لازم است، مربی مسائل جنسی را زودتر به دختر بیاموزد؛ حال اینکه برای آموزش مسائل جنسی به پسر، فرصت بیشتری در اختیار دارد. دختر زودتر از پسر بالغ می‌شود. کیفیت و کمیت آموزش جنسی تابع رشد عقلی است که در دختران و پسران وجود دارد.

- هدف چهارم و پنجم برنامه ۲۰۳۰ آموزش با کیفیت و برابری جنسیتی در این مواد و در بند ۴ بیانیه اینچئون فراگیری و دسترسی برابر زنان و مردان به فرصتهای آموزشی با کیفیت و برابر مورد تأکید قرار گرفته است؛ اما منظور از ریشه‌کنی نابرابری جنسیتی چیست؟ روش این ریشه‌کنی نابرابری جنسیتی چیست؟ جایگاه دین و اخلاق دینی در ریشه‌کنی نابرابری جنسیتی چیست؟ روش ریشه‌کنی نابرابری جنسیتی با توجه به تنوع فرهنگی ملل مختلف چگونه است؟ پیوست فرهنگی اجرای چنین طرحهایی چگونه خواهد بود؟ در اسلام مسئله برابری جنسی مطرح نیست. برای ایجاد برابری جنسی باید برخی ارزشهای مادری به‌عنوان کلیشه‌های جنسیتی از کتابها حذف شود، در حالی که یکی از معانی عدالت قرار گرفتن هر چیزی در جای خود است؛ بدین مفهوم که همه باید از امکانات متناسب با وضعیت خود بهره‌مند گردند، نه لزوماً امکاناتی یکسان. در سند بنیادین

تحول آموزش و پرورش نیز با نگاهی عدالت‌محور بیان شده است، عدالت تربیتی در ابعاد کمی، همگانی و الزامی و عدالت کیفی با رعایت تفاوت‌های فردی، جنسیتی، فرهنگی و جغرافیایی باید رعایت شود.

- برخلاف سطحی‌نگری این سند، که بحث برابری زنان و مردان در حوزه اشتغال را مطرح، و با بیان این برابری از مسئولیت‌های مهم دیگر زنان در عرصه اجتماع چشم‌پوشی کرده است در نقشه مهندسی کشور بیان شده است، زن و مرد فارغ از جنسیت در امکان کسب ارزشها، یکسان و دارای حقوق و مسئولیت متناسب با تفاوت در آفرینش هستند. آن‌چنانکه ذکر شد در راهبردهای این نقشه علاوه بر تقدس‌بخشی به خانواده در ارتباط با ارتقای نقش همسری و مادری متناسب با حضور اجتماعی هماهنگ با شأن و منزلت زنان، توسعه و ترویج الگوهای گوناگون و منعطف مشارکت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان و بازنگری سیاستها، قوانین، برنامه‌ها و الگوهای اشتغال زنان با تأکید بر تأمین نیازهای جامعه و متناسب‌سازی آنها با نقشهای اساسی مادری، همسری و خانوادگی، صیانت از منزلت و کرامت زن در چارچوب فرهنگ اسلامی ایرانی هدفگذاری شده است.

- از دیگر نکات برنامه ۲۰۳۰، که نکته‌ای چالش‌برانگیز ذکر شده است، سن ازدواج و ازدواج زودرس است و علت آن هنجارها و ارزشهای فرهنگی دانسته شده است که مانع تحصیل دختران می‌شود و نتیجه آن را بازتولید نابرابری در آموزش، سلامت و اقتصاد بیان کرده، و در راهبردهای برنامه جلوگیری از ازدواج زود هنگام را راهی در جهت علم‌آموزی فرا روی ملت قرار داده‌اند و با توجه به تعهد به اجرایی‌سازی این سند در ایران، مفهوم مخالف چنین عملی (ازدواج زود هنگام دختران) برابر است با مقابله با ایران با دستاویزهای حقوق بشری در جامعه جهانی؛ اما منظور از ازدواج زودرس چیست؟ ازدواج در چه سنی زودرس تلقی می‌شود؟ از نظر آموزه‌های دینی، ازدواج می‌تواند مانع ادامه تحصیل به‌شمار آید؟ در کشور قوانین متعددی در ارتباط با سن ازدواج وجود دارد و در اسلام برای ازدواج، مصلحت فرد و بلوغ در ابعاد مختلف ملاک قرار می‌گیرد.

- آنچه قابل ذکر است این سند به کیفیت آموزش زنان توجه نکرده، و تنها در بحث کمیت حق آموزش زنان به توضیح پرداخته و یکسان‌سازی دروس، روشهای آموزشی و امکانات آموزشی را تنها راه برقراری عدالت در حوزه آموزش زنان بیان کرده است؛ درحالی که تغییر محتوای آموزشی زنان و دختران از مهمترین موارد توجه به حق آموزش زنان است که در سند به این محتوا اشاره‌ای نشده است.

- نفوذ افکار و جریانهای غیردینی از دیگر موارد انتقاد به سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو و غیردینی شدن آموزش در ایران است. این حالت صریحا در کتابچه‌های راهنمای یونسکو با عنوان «آموزش همگانی جهانی» بیان شده است. در واقع در چارچوب فرهنگ غربی مبانی دینی در کتابها و آموزه‌های آموزشی نباید بگنجد. در واقع نادیده گرفتن این مسئله از موارد نقض عدالت آموزشی است، و این ناشی از نگرش سکولاریستی است که پیش از این بدان اشاره شد (نشست جهانی آموزش برای همه، ۲۱ تا ۲۳ نوامبر ۲۰۱۲ <http://fa.irunesco.org>).

- ابهامات گسترده در راستای تعبیر و تفاسیر برخی لغات برنامه ۲۰۳۰ همچون: رفع تبعیض، برنامه‌های فراگیر، تساوی جنسیتی، آموزشهای جامع جنسیتی، بهداشت باروری و جنسی و خدمات باروری، نهاد خانواده

- در بخش تهدیدها، بند ۵ شماره ۳ برنامه ۲۰۳۰، تعصبات قومی در زمینه آموزش دختران و حتی در برخی مناطق، جلوگیری از ادامه تحصیل پسران بیان شده است و نیز در بند شماره ۵ این برنامه به کم بودن ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها در بخش آموزش علمی کاربردی اشاره شد در حالی که بعد از انقلاب این مسئله کمتر و تنها در برخی اقوام مطرح بوده است که در سالهای پس از انقلاب بسیار تعدیل شده است؛ علاوه بر این تعداد دانشجویان دختر داوطلب دانشگاه‌ها در برخی سالها بیش از پسران بوده است. هم‌چنین در برنامه ۲۰۳۰ بیان شده است که میزان ثبت نام خالص پایه اول ابتدایی سال ۹۳-۹۲ (۹۷,۸۸٪) بوده، و پیش‌بینی شده است تا سال ۱۴۱۰-۱۴۱۱ این رقم به ۹۹/۵٪ می‌رسد که این آمار با بند ۵ برنامه در تناقض است.

- یکی از اهداف پذیرش و اجرایی‌سازی این سند در کشور عرضه بسیاری از اطلاعات آموزش و پرورش کشور به نهادهای بین‌المللی بیان شده است تا زمینه عرضه توانمندیهای کشور به جامعه جهانی و مقایسه جهانی با چشم‌انداز ۱۴۰۴ با مقیاسی بین‌المللی فراهم شود. ادعا چنین است که اجرای این سند و گزارشهایی که ارائه می‌شود، کمک می‌کند که در شاخصهای بین‌المللی، جایگاه کشور به جامعه بین‌المللی معرفی شود و دستاوردهای جمهوری اسلامی در معرض داوریهای جهانی قرار گیرد (زرافشان، ۱۳۹۶: ۱). این ادعا، اگرچه در عرصه بین‌المللی مزایایی برای کشور دارد برای پذیرش سندی که تمامی جوانب آموزش و پرورش کشور را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد، هدف والایی به‌نظر نمی‌رسد و این هدف خود می‌تواند تهدیدی علیه امنیت کشور در ابعاد مختلف به‌شمار آید.

بحث و نتیجه‌گیری

آموزش زنان همواره مورد توجه دین اسلام بوده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اختصاص امکانات و شرایط مساوی مردان و زنان در جهت آموزش و علم‌آموزی تأکید شده است (اصل ۳۰). به نظر می‌رسد که وجود پشتوانه چندصد ساله عقیدتی در زمینه تأکید بر حق آموزش زنان و تدوین قوانین و اسناد متعدد داخلی درباره آموزش و پرورش کشور را بی‌نیاز از دیگر برنامه‌های وارداتی می‌کند. اگرچه برداشت افکار مثبت از تجربیات سودمند است، باید این مهم مورد توجه قرار گیرد که در تدوین هر سند و یا قانون، فلسفه نگارش متن باید مورد توجه قرار گیرد. طبیعی است که در تدوین هر سند ملی و بین‌المللی بنیانهای فلسفی خاصی مبنای کار قرار می‌گیرد که مورد قبول تدوین‌کنندگان است و مکاتب فلسفی مورد پذیرش هر نظام حکومتی و قانونی با دیگر نظامات متفاوت است و این خود دلیل مهمی بر عدم پذیرش اسنادی است که بنیادهای هر نظام را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در بخشهای متعدد سند ۲۰۳۰ وضوح عقیده به مبانی انسان محورانه کانت، که مورد پذیرش جوامع غربی است، مشاهده می‌شود که این مسئله در تغایر با اسناد داخلی است که با مبانی فکری‌ای براساس فلسفه الهی تدوین شده است. به همین علت امکان اجرایی‌سازی این سند در کشور جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد. نکته دیگر اینکه تفاوت فرهنگی در فرهنگ مؤلفان برنامه ۲۰۳۰ با فرهنگ مجریان بومی این سند است که امکان در نظر گرفتن حق تحفظ را برای الفاظ دارای ابهام با مشکل روبه‌رو می‌سازد. در تدوین اسناد داخلی آموزشی در کشور بر رشد و تعالی انسان براساس معیارهای اسلامی تأکید می‌شود و این مهم مستلزم نفی سکولاریسم است؛ یعنی دخالت دادن دین در عرصه‌های مختلف زندگی و این مسئله نیز یکی از مهمترین مسائلی است که توجه به آن در سند ۲۰۳۰ اساساً به چشم نمی‌خورد و این ناشی از همان تفاوت بنیادین در مبانی اعتقادی و فلسفی است. سند ملی باید براساس مبانی، اصول، آرمانها و فرهنگ هر ملت و کشور باشد. برنامه ۲۰۳۰ سند چشم‌انداز ۱۵ ساله کشور را در موضوعات کلان و تربیت نسل و فرهنگ‌سازی مطرح می‌کند و اگرچه نکات مثبتی در زمینه‌های آموزشی دارد داخل در مسائل حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران نیز می‌شود و این مسئله استقلال فرهنگی کشور را تهدید می‌کند؛ چرا که یکی از ویژگیهای استقلال ملی است. یکی دیگر از مهمترین اشکالات سند بین‌المللی ۲۰۳۰ تأکید بسیار بر تساوی جنسیتی است. آنچه تحت عنوان دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران ذکر شده است در کل این سند

جلوه می‌کند؛ مسئله‌ای که در گزارش شارون اسلاتر هم بر آن تأکید شده است. آنچه با تدقیق در آن خود تهدیدی اساسی علیه حقوق زنان و از جمله حق آموزش زنان است. تعهدات مختلف ایران در راستای اجرایی‌سازی این برنامه در تناقض با اسناد بالادستی آموزشی و فرهنگی کشور است. آنچه به‌عنوان یکی از اصول این برنامه ملی به کار برده شده، جهانی‌سازی در تربیت شهروند جهانی و شهروند جهان‌وطن کانتی است در حالی که اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تحقق آرمانهای متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملتها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت است. در این سند تنها آموزش مدنظر قرار گرفته شده در صورتی که در اسناد آموزشی بنیادین کشور مقوله تربیت در کنار آموزش همواره مورد توجه بوده است. عدم رعایت برنامه ۲۰۳۰، ایران را در جامعه بین‌المللی در معرض تهدید به نقض تعهدات بین‌المللی و حقوق بشری قرار می‌دهد و این مسئله‌ای است که نباید موجب ترس و ارعاب شود بلکه باید نیروی محرکی در جهت شناخت بیشتر و بهتر توانمندیهای موجود، و نهایتاً به تدوین برنامه‌های جامع و قابل دفاع منجر شود که حتی قابل عرضه به دیگر کشورهای مسلمان نیز باشد. لزوم اجرایی‌سازی اسناد و برنامه‌های آموزشی موجود و طراحی ضمانت‌اجراهای کافی برای آنها در راستای تدوین الگویی جامع برای زنان پیشنهاد می‌شود با درنظر داشتن اسناد بالادستی تعلیم و تربیت رهنامه زن مسلمان توسط نخبگان حوزه و دانشگاه تدوین گردد و در آن برنامه گام به گام پیشرفت در پنج برنامه دهساله مدنظر قرار گیرد. وجه تمایز این برنامه با دیگر اسناد موجود بین‌المللی و داخلی سازوکارهای اساساً اعتقادی و دینی این رهنامه است که می‌تواند به‌عنوان سند چشم‌انداز پنجاه ساله در کنفرانسهای منطقه‌ای کشورهای مسلمان مورد انتشار قرار گیرد.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه الهی قمشه‌ای.
 آقایی، بهمن (۱۳۷۶). فرهنگ حقوق بشر. تهران: کتابخانه گنج دانش.
 ابن‌اثیر، مبارک‌بن محمد (۱۴۲۱). *النهایه فی غریب الحدیث والاثار*. ج ۱. نشر ریاض. دارابن‌الجوزی.
 ابی‌الفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم ابن‌منظور الافریقی المصری (۱۳۷۵). *لسان العرب*. ج ۱. بیروت: دارصادر، داربیروت.
 ابوشقه، عبدالحلیم محمد (۱۴۰۱). *حریر المرأة فی عصر الرسالة*. ج ۱. کویت: دارالقلم للنشر و التوزیع.

امامی، سیدحسن (۱۳۴۷). حقوق مدنی. ج ۱. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
بنائیان، محمد (۱۳۹۵). حذف ساحت عبادی-اعتقادی در سند ۲۰۳۰/شائبه عدم رعایت حقوق کودکان و زنان و دادن بهانه حقوق بشری به نهادهای بین‌المللی با اجرای سند. قابل بازیابی در:

<http://www.dana.ir/news/1028670.html>.

بهرامی، فاطمه؛ اعتمادی، عذرا (۱۳۹۱). رشد تحصیلات زنان در ایران به عنوان الگویی از زنان مسلمان. تهران: پیام عدالت.

جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). مقدمه عمومی علم حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.

جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. ج ۳. تهران: کتابخانه گنج دانش.

حسینی، رضا (۱۳۹۶). آموزش مسائل جنسی و جنسیتی در سند ۲۰۳۰ یونسکو. دسترسی در ۱۰/۳/۱۳۹۶:

<https://chegane.com>.

حسینی‌جلالی، سیدمحمد رضا (۱۴۱۳). تدوین السنه الشریفه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. مرکز انتشارات.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵). بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان.

دانش‌پژوه، مصطفی؛ خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۸۵). فلسفه حقوق. چ دهم. قم: انتشارات مؤسسه امام‌خمينی.

رفیعی، بهروز (۱۳۸۸). تربیت جنسی در اسلام. فصلنامه تربیت اسلامی. ش ۸.

زرافشان، علی (۱۳۹۶). اجرای «سند ۲۰۳۰» کاملاً متوقف شده است. قابل دسترسی در:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13960306001174>.

سادات‌سجادی، اعظم (۱۳۸۸). ارتباط عاطفی در فرایند آموزش و تربیت از دیدگاه قرآن. پایان‌نامه دانشگاه مفید قم.

سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۷). روانشناسی پرورشی. تهران: انتشارات دوران.

سلامتی، یعقوب؛ اخوان‌فرد، مسعود؛ طالقانی، حسین (۱۳۹۴). تکلیف بر رعایت حق بر آموزش در حقوق اسلامی، مقررات حقوق بشر. فصلنامه علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی. س هشتم. ش ۴: ۸۵ تا ۱۰۰.

عسقلانی، ابن حجر (۱۴۰۲). فتح الباری. ج دوم. ج ۹. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عظیم‌زاده‌اردبیلی، فائزه؛ خسروی، لیلا (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی حقوق زنان از دیدگاه اسلام و غرب، حق آموزش و تابعیت زنان. تهران: نهاد ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده.

عظیم‌زاده‌اردبیلی، فائزه؛ خسروی، لیلا (۱۳۸۳). تساوی زن و مرد در حق آموزش و فرهنگ. نشریه حوراء. ش ۸: ۳۸ تا ۴۲.

علی‌آبادی، علی (۱۳۹۰). ایجاد و اسقاط تعهدات ناشی از عقد در حقوق اسلامی. تهران: انتشارات دانش‌پذیر.

عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ عمید. تهران: نشر اشجع.

طبرانی، الحافظ‌أبی‌القاسم سلیمان‌بن‌أحمد (۱۳۹۸). المعجم الکبیر. ج ۵. قاهره: مکتبه ابن تیمیة.

فصیحی‌مقدم، محدثه (۱۳۹۳). حق آموزش زنان در اعلامیه پکن. قابل دسترسی در:

<http://mehrkhane.com/fa/news/16392>

- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر. ج دوم. تهران: انتشارات شهر دانش.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- کحاله، عمررضا (۱۹۸۴). اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام. ج پنجم. ج ۵. بیروت: مؤسسه الرساله.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۱). اصول الکافی. ج ۱. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). ده گفتار. تهران: صدرا.
- میراحمدی، سیده‌لیلا؛ فاتحی‌زاده، مریم‌السادات؛ اعتمادی، عذرا؛ جزایری، رضوان‌السادات؛ پسندیده، عباس (۱۳۹۶). انتخاب همسر مبتنی بر آموزه‌های اسلامی براساس تحلیل کیفی احادیث اصول کافی. پژوهش‌های مشاور. ج ۱۶. ش ۶۲: ۵۲ تا ۸۰.
- موسوی‌الخمنی، سیدروح‌الله (۱۳۷۱). مجموعه سخنرانیهای حضرت امام همراه با شرح وقایع انقلاب اسلامی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمنی (ره).
- مهرپور، حسین (۱۳۸۷). مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر دادگستر.
- نیاورانی، صابر (۱۳۸۹). منزلت حق بر آموزش در نظام بین‌المللی حقوق بشر. مجله تحقیقات حقوقی. ش ۵۲.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادیهای اساسی. تهران: نشر میزان.
- همدانی، رضابن‌محمد هادی (۱۴۱۶). مصباح‌الفقیه. قم: الجماعه‌المدرسین فی الحوزه العلمیه. قم: مؤسسه‌النشر الاسلامی. ج ۲.
- والدمن، محمد (۱۳۸۸). چگونگی تنظیم رفتارها و روابط جنسی در غرب و کشورهای اسلامی براساس مقایسه دو جامعه آلمان و اتریش با جامعه ایران. فصلنامه تربیت اسلامی. ش ۸.

[http://bonyadtaban.com/title//Coomans, 1992, Protection of educational law, UDHR, London](http://bonyadtaban.com/title//Coomans,1992,Protectionofeducationallaw,UDHR,London)

<http://doctorzendegi.com/public/framework-2030>

<https://en.oxforddictionaries.com/definition/education>

<http://fa.unesco.org>

<http://basijlaw.ir/product>

<http://nj.farhangoelm.ir>

<http://portal.unesco.org/en/ev.php>

<http://www.unic-ir.org/hr/declaration-beijing.htm>

<http://www.un.org/en/universal-declaration-human-rights/>

<http://www.nlai.ir>

<http://www.unwomen.org>

Iran Report submitted for the Eighth Consultation on the implementation of the Convention and Recommendation against Discrimination in Education 2006-2011

UNESCO (2014), Monitoring of the Implementation of the Convention and Recommendation against Discrimination in Education (8th Consultation), Girls' and Women's Right to Education, Overview of the Measures Supporting the Right to Education for Girls and Women reported on by Member States

UNESCO Education for All Global Monitoring Report, <http://www.unwomen.org/en/news/stories/2014/3/remarks-by-ed-at-the-nordic-council-of-ministers-side-event#sthash.sZmrZXuH.dpuf>

Women's Rights and Responsibilities Charter